

## «قیام حسینی در برابر جاهلیت اولی؛ قیام خمینی در برابر جاهلیت مُدرن»

### مبحث دهم

در ایام محرم و عزای سید الشهداء (ع) همه محبین دوست دارند در شمار کاروان اباعبدالله الحسین (ع) و سپاه ایشان قرار بگیرند. دوست دارند بدانند چه منزلت و جایگاهی نزد آن بزرگوار دارند و اینکه آیا عزاداری‌ها و توسلاتشان مورد قبول قرار گرفته است؟ آیا از سیاهی لشگر و سربازان و یا از افسران و فرماندهان سپاه ایشان قرار گرفته‌اند یا خیر؟ دوست دارند بدانند آیا از عشاقی محسوب می‌شوند که شهادت‌نامه آنها امضا می‌شود؟ دوست دارند در خیمه اباعبدالله الحسین (ع) حضور داشته باشند و ببینند به چه میزان از اسراری که حضرت با یارانش در میان می‌گذارند بهره‌مند هستند. دوستداران حضرت (ع) وقتی در مقابل شش گوشه حرم مطهرش قرار می‌گیرند، به تعلیم و تأدیبات ائمه معصومین در زیارت مطلقه این طور عرضه می‌دارند: «اَكْتُبُ لِي عِنْدَكَ مِيثَاقًا وَ عَهْدًا إِنِّي أَتَيْتُكَ مُجَدِّدًا الْمِيثَاقَ فَاشْهَدْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ إِنَّكَ أَنْتَ الشَّاهِدُ» من خدمت شما مشرف شدم تا عهد و میثاقم با شما را تجدید کنم. برای من عهد و میثاقی نزد خودتان بنویسید و من را از وفاکنندگان به عهد و میثاق خودتان قرار دهید. اگر ما به زیارت شما آمدم قصدمان فقط زیارت نبوده است، بلکه آمدم عهد و میثاقی را ببندیم و آن را تجدید کنیم همانطور که در مورد عبادت بزرگی چون نماز، خدای متعال می‌فرماید: «واستعينوا بالصبر والصلوة»! از صبر و نماز کمک بگیرید. در واقع قرار نیست ما نمازپرست شویم بلکه نماز باید وسیله‌ای برای تقرب به درگاه الهی باشد. همچنین قرار نیست زیارت‌پرست باشیم، قرار است زیارت کنیم تا عهدمان را نسبت به حضرات معصومین (ع) تجدید کنیم و در طول زندگی در راه وفای به آن قدم برداریم.

این میثاق و عهد چیست؟ به هر میزان که بتوانیم درک بیشتری از این میثاق و عهد پیدا کنیم، آن وقت است که می‌توانیم بگوییم عزاداری‌هایمان مقبول واقع شده است و از محبین آن حضرت قرار گرفتیم و می‌توانیم امیدوار باشیم به اینکه نسبت به حضرات معصومین (ع) و خدای متعال تقرب پیدا کردیم. معمولاً در منابر، عهد و میثاق‌های مختلفی به‌عنوان نتیجه عملی این عزاداری‌ها و زیارت‌ها معرفی می‌شود که همه آنها صحیح هستند و کسی نمی‌تواند آن را نفی کند. مثلاً گفته می‌شود محبین امام حسین باید به «نماز اول وقت» اهتمام داشته باشند؛ چون اباعبدالله (ع) حتی در میانه جنگ نیز از این امر غفلت نکردند. همچنان‌که به «احتراز از مال حرام» - که سپاه دشمن به آن خو کرده بود - توصیه می‌شود و دوری از دروغ و بهتان و غیبت و... و عمل به سایر احکام مانند خمس و روزه و حج و... مورد تأکید قرار می‌گیرد. تمام این موارد جزئی از آن عهد و میثاقی است که همه ما باید در انجام آنها ثابت قدم باشیم. اما انسان عاقل در زمانی که وظایف زیادی بر دوش خود احساس می‌کند، سعی در اولویت‌بندی آنها دارد و سایر افعال و رفتار خود را بر اساس اولویت‌ها و امور پراهمیت‌تر تنظیم می‌کند. لذا مرحوم کلینی (ره) در کتاب شریف کافی بابی به نام «دعائم الإسلام» آورده است که در آن مکرراً و متعدداً - چه در قالب سوال از معصومین و چه با بیان ابتدائی از سوی حضرات - به تبیین و تشریح پایه‌ها و ستون‌های اصلی و اساسی اسلام پرداخته شده که این پایه‌ها می‌تواند مهمترین اجزاء عهد و میثاق بندگان نسبت به حضرات معصومین (ع) باشد.

در این روایات، پایه‌ها و ستون‌های اصلی اسلام به این صورت معرفی شده است: «الصلاه و الزکاه و الحج و الصوم و ما نودی بشی افضل من الولاية» چهار رکن اول، نماز و زکات و حج و روزه است و به تصریح معصومین از همه اینها بالاتر و مهمتر، امر ولایت است! دوستی با دوستان ائمه معصومین (ع) و دشمنی با دشمنان آنها! ممکن است کسی بگوید ما هم به این مطلب توجه داریم و اساسا آمدن ما به این مجالس به دلیل ولایت‌مداری و برای ابراز تولی و تبری است! اما باید توجه داشت که اگر اصلی‌ترین رکن عهد و میثاق ما نسبت به اباعبدالله (ع)، دوستی با ائمه معصومین (ع) و دشمنی با دشمنان آنها باشد، پس بایستی مثل همه شئون زندگی مان به دنبال بهتر شدن و دقیق‌تر شدن آن باشیم. آیا انسان‌ها در شئون زندگی مادی توقف می‌کنند یا اینکه دائما به فکر ارتقاء و بهتر شدن زندگی خود هستند؟! اگر در امور خرد زندگی مادی چنین عمل می‌کنیم، می‌توانیم بگوییم تکامل در امور معنوی لازم نیست؟! بالاتر از آن آیا در مورد بزرگترین رکن دین که عهد و میثاق مان نسبت به حضرت اباعبدالله (ع) است می‌توان گفت همان که فهمیدیم کافی است و بیش از آن نیاز نیست؟! یعنی ارتقاء خدمت‌گزاری به حضرات معصومین (ع) چگونه امکان‌پذیر است؟ دشمنان آنها چه کسانی هستند؟ دوستان آنها چه کسانی هستند؟ آیا دشمنان اهل بیت (ع) در دشمنی‌شان نسبت به کلمه توحید، به یک روند ثابت عمل می‌کنند تا ما هم در دوستی مان نسبت به حضرات معصومین (ع) و دفاع از آنها به صورت یکسان و ثابت عمل کنیم؟! این چگونه ممکن است در حالی که حضرت امام هادی (ع) در پاسخ به سوال «ابن سکیت» می‌فرماید آیات الهی به دلیل تغییر نوع شیطنت کفر در اعصار مختلف، متغیراند.

خصوصا آیات «کفرشناسی و نفاق‌شناسی» قرآن کریم برای ما تشریح می‌کند که چقدر دشمنان «جامعه ایمانی» در کفر و نفاق خودشان شدید و خطرناک‌اند. در یکی از این آیات، خدای متعال ما را نسبت به دعوای جهنمیان با یکدیگر در روز قیامت آگاه می‌کند - و چه خبری بهتر از این که بدانیم جهنمیان در آن دنیا چه سخنانی را به هم می‌گویند و چه بدبختی‌هایی را با هم در میان می‌گذارند! - زیردستان ائمه کفر با آنها مشاجره می‌کنند که شما بودید ما را گمراه کردید؛ آنها نیز می‌گویند خودتان همراه شدید! خدای متعال با خبر دادن از وضعیت آنان در جهنم، عمق خطر و دشمنی آنها را گوشزد می‌کند. زیردستان در ادامه به مستکبرین می‌گویند، اگر ما همراهی کردیم به این دلیل بود: «بل مکر اللیل و النهار» شما به صورت شبانه‌روزی حيله می‌کردید! حيله شبانه‌روزی آنها چگونه است؟ آیا شب و روز نزد مردم می‌آمدند و آنها را به بت‌پرستی و اعمال فاسد و زیر دست بودن مردم دعوت می‌کردند؟! یا اینکه محیط پرورشی و بستر اجتماعی ایجاد می‌کردند برای اینکه مردم را به منجلاب‌های ظلمت بکشاند! حيله شبانه‌روزی کار آسانی نیست، بسیار پیچیده و خطرناک است! مثال ساده آن این است که بیمارستان‌ها شبانه‌روز به شما خدمات می‌دهند، برای ارائه چنین خدمات به صورت دائم، چقدر باید نیروی انسانی ساده و متخصص و بودجه و مدیریت و خدمات اداری و زیرساختی و دارو و... به صورت هماهنگ کار کنند تا در هر زمان از شبانه‌روز به بیماران خدمات دهد؟! پس کفار برای پیش برد اهداف کثیف خود و دشمنی با جامعه ایمانی و نابودی آن، مقدرات و افراد و ابزارهای زیادی را هماهنگ می‌کنند تا بتوانند به صورت شبانه‌روزی حيله کنند! دشمنان ائمه (ع) چنین کسانی هستند! امروز پیچیدگی حيله‌شان را بالعیان مشاهده می‌کنیم. با اینکه در کشور شیعه زندگی می‌کنیم، اما نگران محیط تربیتی و آموزشی فرزندانمان در مدارس و دانشگاه و مکان‌های تفریحی و فضای مجازی هستیم!

لذا برای تجدید میثاق با اباعبدالله الحسین (ع) باید دشمنان ایشان را به خوبی شناخت. اگر از «کفر مدرن» صحبت کردیم بدین معناست که شیوه‌های جدیدی برای تسلط کفار بر مسلمین ایجاد شده است. اگر ما نسبت به این شیطنت‌ها شناخت پیدا نکنیم و در راه مبارزه با آن راسخ نباشیم، چگونه می‌توانیم ادعا کنیم که به عهد و میثاقمان با حضرت سیدالشهداء (ع) وفا

کردیم؟! اگر امروز از جانب مقام معظم رهبری اعلام جنگ فرهنگی و جنگ اقتصادی شده است، آیا ما احساس جنگ و زد و خورد و جانبازی و شهادت و اسیری می‌کنیم یا نه؟! آیا همان احساسی را داریم که وقتی آژیر خطر به صدا در می‌آید، داشتیم؟! آیا بمباران دشمن و خرابی خانه‌ها و شهر و ساختمان‌ها و آوارگی ساکنان آن را احساس می‌کنیم؟! واکنش جامعه اسلامی در برابر این جنگ تمام عیار و همه‌جانبه چیست؟! پیچیدگی جنگ فرهنگی از جنگ نظامی بسیار بیشتر است. چرا که در جنگ نظامی جسم‌ها مورد اصابت گلوله واقع می‌شوند ولی در جنگ فرهنگی روح‌ها و ذهن‌ها مورد اصابت حملات دشمن واقع می‌شود! هیچ یک از انبیاء و معصومین و نواب عام آنها در هیچ برهه‌ای از تاریخ ولایت کفار را نپذیرفتند و نمی‌پذیرند و نخواهند پذیرفت! نشناختن دشمن از جانب جامعه شیعه، مساوی با شکست مقابل آنها و پذیرش قهری ولایت کفار بر مسلمین است!

برخی ممکن است بگویند شما چرا می‌خواهید مسئله را پیچیده و دشوار نشان دهید در حالی که هر کسی که احکام مبتلابه خود را انجام دهد و در مجالس عزاداری شرکت کند رضایت خدا را به دست آورده است! در پاسخ عرض می‌کنیم که اساساً دنیا برای مومنین مکان راحتی نیست بلکه با انواع سختی‌ها همراه شده است. حضرت صادق (ع) فرمودند: «انما هی دار بلاء» دنیا چیزی نیست مگر دار بلاء! حالا آیا خدای متعال - نعوذ بالله - می‌خواهد بلاء و مریضی و بی‌پولی و گرفتاری بر مومنین بیارد که آنها را اذیت کند؟! کلا، حاشا، ابداً! بلکه حضرت در بیان این بلاء فرمودند: «یسلط الله فیها عدوه علی ولیه» خداوند به بشر اختیار داده و بشر با سوء اختیار خود می‌تواند به دشمن خدا تبدیل شود و بر اولیاء الهی مسلط شود و به آنها ضربه بزند. اساس دنیا همین است که به کفار و یارانش اذن داده که فعالیت کنند و لذا آنها دستگاه و نظام می‌سازند و به جامعه ایمانی حمله‌ور می‌شوند! در این صورت چه کسی می‌تواند بگوید زندگی در این دنیا راحت و ساده است؟! مگر طبق روایات، دنیا زندان مومن نیست؟! بله، اگر چه دنیا دار بلاء و امتحان است ولی مومنین با توسل نسبت به حضرات معصومین (ع) و پایداری در مسیر آنها، از آن امتحانات عبور می‌کنند و به بهجت و لذت‌های معنوی که ناشی از ارتقاء مقام معنوی آنها است، دست پیدا خواهند کرد. لذا در زمان امیرالمومنین (ع) و دیگر ائمه معصومین (ع)، شیعیان بنا به مصلحت‌هایی مجبور می‌شدند در جنگ خلفای جور علیه کفار شرکت کنند و فداکاری آنها در آن جنگ‌ها به نفع خلفای جور تمام می‌شد. اما امروز که ملت ایران با نواب عام حضرت ولی عصر (عج) همراه شدند و استنصارهای حضرت امام (ره) را نسبت به در خطر بودن اسلام جدی گرفتند، وضعیت آنچنان شده که اهل سنت در خط مقدم جنگ با کفار به شهادت می‌رسند و این امر به نفع جمهوری اسلامی و افزایش اقتدار آن تمام می‌شود! به ذهن کدام شیعه‌ای در هزار سال قبل خطور می‌کرد که چنین قدرت عظیمی برای جامعه شیعه بوجود بیاید؟! این عزتی است که خدای متعال در مقابل یاری نواب عام حضرت ولی (ع) به امت شیعه عنایت کرده است. عبور سربلند از امتحانات، چنین عزتی را در پی خواهد داشت. اگر در زمان مرحوم میرزای شیرازی (ره) به شیعیان خبر می‌دادند که در ۱۵۰ سال آینده شیعه به حکومت می‌رسد و به چنین سطحی از اقتدار می‌رسد، آیا باور می‌کردند؟! اما نواب عام حضرت (عج) با یقین پولادین خودشان، جامعه شیعه را از تمام تردیدها و شبهات و یأس‌ها عبور می‌دادند. از بزرگترین تردیدهایی که به نهضت حضرت امام (ره) حمله‌ور می‌شد، تردید در این بود که شما چگونه می‌خواهید در روز قیامت جواب این همه خونی را که از بهترین جوانان ایران در مقابل گلوله‌های شاه یا صدام ریخته می‌شود، بدهید؟! چگونه مسئولیت شرعی دماء مسلمین را بعهد می‌گیرید؟! با این شبهه برای بهترین متدینین چه تردیدهایی که حاصل

نمی‌شود! اما حضرت امام (ره) با یقین پولادین خودش امت شیعه را از ظلمات یأس‌ها و تردیدها عبور داد و با همراهی مردم، خدای متعال نصرت خود را بر ما نازل کرد.

لذا بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، کفارِ مُدرن مثل اجداد و نیاکان‌شان «حذف فیزیکی» را بعنوان اولین گزینه برای مقابله با نظام جمهوری اسلامی در دستور کار خود قرار دادند و کودتا و جنگ داخلی و جنگ خارجی را بر نظام تحمیل کردند! در حالی که در بلندگوهای جهان فریاد می‌زنند که ما اهل دموکراسی و گفت‌وگو هستیم! اگر اهل گفت‌وگو بودند پس چرا با ملتی که با «فرهنگ دیکتاتوری نظام سلطنتی» مبارزه کرده است و به «جمهوریت» روی آورده، به جنگ و مقابله پرداختید؟! در سه عرصه امنیتی و دفاعی و نظامی برای نظام جمهوری اسلامی ایران ایجاد مسئله کردند. بجای اینکه از آن حمایت کنند، دائماً اعلام کردند این انقلاب تا چند ماه دیگر سقوط می‌کند! بعضاً ما گمان می‌کنیم اینها انسان‌های جاهل و نادانی بودند که هر چند وقت یک بار مسائلی را به گزاف می‌گویند! خیر؛ بلکه بر اساس قواعد علمی کسب قدرت و حفظ آن این سخنان را می‌گفتند. اما حضرت امام (ره) با تکیه بر خدای متعال، راه‌های جدیدی را باز کرد که تمام این پیش‌بینی‌های علمی را باطل کرد و دشمنان انگشت به دهان به آن خیره می‌شدند! وقتی جنگ را بر ملت ایران تحمیل کردند، عقلانیت جنگ کلاسیک صریحاً اعلام کرد که ما نمی‌توانیم با ارتش مضمحل شده و در هم ریخته در برابر ارتش صدام که حمایت تمام دنیا را با خود دارد، بایستیم! مقام معظم رهبری حفظه الله در خاطراتشان بیان کردند که ارتشی‌های مومن و متدین که پای انقلاب ایستاده بودند، در ابتدای جنگ به من نامه نوشتند که مطابق گزارشات و محاسبات دقیق، ما بیشتر از ۱۷ روز توان جنگیدن نداریم! بیایید آبرومندانه در همین ابتدای جنگ، آتش بس را اعلام کنید! مقام معظم رهبری که نماینده حضرت امام در شورای عالی دفاع بودند گفتند: همانجا دل من خالی شد! نزد امام رفتم، ایشان فرمودند: شما پیش بروید ان‌شاءالله خدای متعال کمک خواهد کرد. چه فعالیت‌هایی انجام شد که این ۱۷ روز را به هشت سال مقاومت تبدیل کرد! هشت سال مقاومت به چه معناست؟! اگر جنگی فقط میان دو کشور رخ دهد، تداوم آن نهایتاً تا شش ماه معنا دارد و بیش از آن، ارزش اقتصادی ندارد و با محاسبات هزینه فایده نمی‌سازد که جنگ را ادامه دهند. لذا وقتی جنگی هشت سال به طول می‌انجامد بدین معناست که تمام قدرت‌های جهانی در حمایت از - حداقل - یک طرف از جنگ هستند! ملت ایران در مقابل تمام قدرت‌های جهانی ایستاد و ثابت کرد که اگر در راه دشمنی با دشمنان اباعبدالله (ع)، ایثار و ایستادگی کند اعجاز خدای متعال نازل خواهد شد و ابهت دشمن را در هم خواهد شکست! این پیروزی چگونه اتفاق افتاد؟ آیا بدون تأمل و محاسبه و برنامه‌ریزی گفتند به دل دشمن بزنیم و بجنگیم؟! نخیر، با عقلانیت جدیدی که پیروان حضرت امام (ع) در عرصه نظامی بدان عمل کردند تا پیروز شدیم. امثال شهید باقری‌ها استراتژی جنگ را عوض کردند! یک جوان ۲۱ ساله که با عنوان خبرنگار وارد جنگ شده بود، اما به خاطر نشان دادن حساسیت بالا در مبارزه با کفر، خدای متعال عقلانیت الهی را در استراتژی جنگ به او عطا کرد! عنصر «شهادت طلبی» را بجای «سخت افزارها»، اصل در جنگیدن قرار دادند و به لوازم آن عمل کردند. حضرت امام (ره) به نهادسازی انقلابی روی آورد و «ارتش ۲۰ میلیونی» را بنا نهاد و زمینه را برای جنگ مردمی بر اساس شهادت‌طلبی فراهم کرد. اینطور نیست که بدون محاسبات و تعقل و ناشیانه با دشمن جنگیدیم! همانطور که عرض شد شیطنتها در این دوره از تاریخ، عقلانی است و عبور از آنها نیز با عقلانیت انجام می‌گیرد اما عقلانیت الهی! لذا در عمل، عقلانیت جدیدی در جنگ تجربه شد؛ البته نه اینکه درک تئوریک و علمی از آن پیدا شده باشد، ولی امروز همان درک و تجربه جدید از نحوه جنگیدن در مقابل دلارهای سعودی و قطری و دستگاه اطلاعات آمریکا و انگلیس و خشونت و قساوت تکفیری‌ها ایستاده و شیعه را در جهان به

افتخار جدیدی نائل کرده است. در جنگ فرهنگی و اقتصادی نیز اگر با تکیه به خدای متعال برای شکست دشمن عزم خود را بکار ببندیم، با نصرت‌های خدا همراه خواهیم شد. مقام معظم رهبری در یکی از سخنرانی‌ها فرمودند: «در دو سه سال اول انقلاب، مسجدها و مسجدی‌ها بودند که کشور را اداره کردند.» لذا اگر جنگ فرهنگی و اقتصادی بوجود آمده، مسجدها و حسینیه‌ها و تکایا و عزاداری‌ها باید بار این جنگ را به دوش بکشند. باید عقلانیت الهی برای مقابله با دشمن فرهنگی و اقتصادی شکل بگیرد. اگر مساجد و حسینیه‌ها نمی‌توانند این همه نیروی انقلابی و شهادت طلب را ساماندهی کنند، معلوم می‌شود که ضعفی عقلانی در میان ما وجود دارد. این چه ضعفی است که نمی‌توان این همه نیروی متدین و متعهد و انقلابی و پابه‌رکاب و اهل نماز و روزه و عزاداری را در یک سپاه واحد گرد هم آورد و دشمن را بیرون کرد؟! به حدی که رهبر انقلاب فرمان «آتش به اختیار» را صادر می‌کنند که معنای آن، نبود عقلانیت واحد برای مدیریت واحد نیروهای انقلابی است! مسجدها و حسینیه‌ها و روحانیون و مذهبی‌ها باید در این مسیر پیش قدم شوند، همانطور که اینها بودند که انقلاب کردند و دو سه سال اول کشور را اداره کردند. برای وفای عهدمان نسبت به حضرت اباعبدالله (ع)، عزاداری‌ها باید به این جا ختم شود.

از دیگر دشمنی‌های قدرت‌های جهانی علیه نظام جمهوری اسلامی، ایجاد مسائلی امنیتی و اطلاعاتی بود که حضرت امام (ره) با نهادسازی انقلابی، زمینه رفع این تهدید را فراهم کرد و «اطلاعات ۳۶ میلیونی» را پایه‌ریزی کرد. اطلاعات ۳۶ میلیونی به چه معناست؟ جز به معنای مردمی کردن اطلاعات و امنیت، آن هم در دنیایی که بسته‌ترین سیستم‌ها، سیستم‌های اطلاعاتی هستند؟! در شرایطی که سازمان منافقین در کشور به کشتار ۱۷ هزار نفر اقدام می‌کند، در حقیقت جنگ داخلی و پارتیزانی در کشور به راه انداخته است. جنگی که معمولاً در دنیا به تجزیه کشورها منتهی می‌شود. نظام جمهوری اسلامی ایران چگونه پس از انهدام ساواک به عنوان سازمان امنیتی کشور و بدون هیچ تجربه اطلاعاتی و امنیتی، از پس مبارزه با این مساله بر می‌آید؟! یکی از سرداران سپاه نقل می‌کند بعد از اینکه مسعود رجوی از کشور فرار کرد، عنصر اصلی مجاهدین خلق، شخصی به نام موسی خیابانی بود که برای دستیابی به او، مشکل بزرگی داشتیم. اما از مردم عادی کوچه و بازار، گزارشی به ما رسید که در همسایگی آنها ساختمانی است که ظاهراً فقط یکی دو نفر زندگی می‌کنند ولی به اندازه ۲۰ نفر آشغال دم خانه می‌گذارند. بعد از مراقبت از آن خانه و بررسی‌ها، مطلع شدند که موسی خیابانی در آنجا مخفی شده است! پس با اطلاعات ۳۶ میلیونی از جنگ داخلی و کودتا و ترورها عبور کردیم. عجیب تر از آن، لورفتن عملیات بزرگ کودتای نوژه است که با همین اطلاعات ۳۶ میلیونی در نطفه خفه شد! نقل است مقامات نظامی کوبا که خودشان با جنگ چریکی به قدرت رسیده بودند، در سفرشان به کردستان با تعجب از شهید کاوه سوال کردند که شما چگونه توانستید در برابر جنگ داخلی غرب کشور بایستید؟! شهید کاوه نیز تاکتیک‌های جدیدی را که خودش در اثر تمرکز بر این مساله تولید کرده بود، بیان کرد و آنها متعجب شدند! لذا حضرت امام (ره) با نهادسازی در عرصه‌های مختلف، سبک زندگی جدیدی در شیوه مدیریت سیاسی و نظامی و اطلاعاتی کشور بوجود آورد که در هیچ تئوری جهانی مشاهده نمی‌شود؛ بدون آن که این راه و روش پشتوانه و سابقه‌ای در ادبیات تخصصی دانشگاه یا حوزه داشته باشد. این ابتکارهای حضرت امام ناشی از نصرت خدای متعال و عنایت حضرت ولی عصر (عج) بود زیرا هیچ تجربه‌ی قبلی از این جنس در اختیار ایشان نبود و انقلاب‌های منطقه علی‌رغمی که از وجود چنین تجربه‌ای در ایران آگاه بودند و برخلاف انقلاب اسلامی - که در اوج تنهایی و مظلومیت به پیروزی رسید - در مرکز توجه و حمایت افکار عمومی جهان قرار داشتند، به آن توجه نکردند و دچار شکست شدند.

اکنون به برکت مقاومت‌های بی‌وقفه نظام جمهوری اسلامی ایران به قدرتی دست پیدا کردیم که دشمنان اسلام از حذف فیزیکی ناامید شدند و از پشت میز مذاکره، شیطنت‌هایشان را پیش می‌برند. آن زمان به حضرت امام (ره) می‌گفتند با این کارها ما را در جهان منزوی می‌کنی! با آمریکا مقابله نکن! قدرت آمریکا شوخی نیست! اما حضرت امام (ره) با اتکال به خدای متعال و امداد حضرت ولی عصر (عج) محکم و ثابت قدم، ملت ایران را پیش برد که در نتیجه آن، ایران را به‌عنوان ابرقدرت منطقه و بعضاً بین‌المللی می‌شناسند. البته ابتدای حرکتی با چنین عظمت، ضرورتاً با تردیها و سوالات بسیار پیچیده و تحلیلی روبرو بوده است به نحوی که سقوط دو دولت اول بعد از پیروزی انقلاب (دولت بازرگان و دولت بنی صدر)، هزینه‌ای بود که پرداخت شد تا این سبک زندگی جدید در عرصه سیاست، تثبیت شود و الا این دو دولت می‌گفتند شما راه و رسم اداره کشور را بلد نیستید و موجب انزوای کشور و سپس ورشکستگی آن خواهید شد.

ملت بزرگ ایران از چنین امتحانات سخت و پیچیده‌ای عبور کرده است؛ اگر چه کسی به تبیین و تفسیر و تحلیل عقلانی آن نپردازد و به سادگی از آن بگذرد. ساده‌گذشتن از این واقعه بزرگ تاریخی، معنایی جز اجازه انحراف در حرکت امام (ره) بوسیله نگاه مادی ندارد. اگر انقلابیون و متدینین، این ثروت‌های عظیم را نشناسند و از آن برای عبور از امتحانات بعدی استفاده نکنند، هشدارهای مقام معظم رهبری درباره پایداری شدن هویت انقلابی و اسلامی نظام محقق خواهد شد. امروز بعد از تثبیت سیاسی (نظامی و امنیتی و دفاعی) نظام جمهوری اسلامی ایران، مسائل فرهنگی و اقتصادی ما را دچار چالش کرده است. مقام معظم رهبری فرمودند: «همه اقتصاد مقاومتی را تکرار می‌کنند و برای آن جلسات و کمیته و کارگروه و همایش تشکیل می‌دهند اما پیش نمی‌رود! پس معلوم است گره علمی وجود دارد!» بیان شد که امتحانات دوره دوم تاریخ، عقلانی است و این گره علمی هم از همان سنخ است. به همین دلیل، مشکلات اقتصادی و فرهنگی امت شیعه باید در مساجد و حسینیه‌ها و مجالس عزاداری و... مطرح شود و موضوع حساسیت مردم قرار بگیرد و برای حل آن، مردم از فضلا و نخبگان و بزرگان حوزوی و دانشگاهی مطالبه کنند. اگر ما یک پنجم زمانی را که در صحبت‌های روزمره پیرامون قیمت زمین و خانه و ماشین و... صرف می‌کنیم، به گفتگو پیرامون چالش‌ها و امتحانات جامعه شیعه اختصاص دهیم، حساسیت‌های جدیدی شکل خواهد گرفت و به تدریج، جبهه‌های فرهنگی و اقتصادی بر محور انگیزه‌های دینی ایجاد خواهد شد. چرا مساجد و هیأت ما نمی‌توانند جوان‌های انقلابی را که آرزوی جنگیدن با دشمن دارند، ساماندهی کنند و با تقسیم کار و وظایف، آنها را هدایت کنند! آیا ما عمق دشمنی دشمنان را درک کردیم؟! آیا فهمیدیم که از کجا به حمله می‌کنند؟! با چه ابزاری به کجاها حمله می‌کنند؟! مگر می‌شود در جنگ نظامی به شناسایی خط اول دشمن اکتفاء کرد و نسبت به خطوط پشتیبان و نیروی هوایی و دریایی و تدارکات و مهندسی رزمی و توپخانه و سایر توانایی‌های او جمع بندی نداشت و آنگاه طراحی عملیات کرد و پیروز شد؟!!

بعد از بیان چگونگی تثبیت نظام در سه عرصه سیاسی و دفاعی و امنیتی، در مباحث آینده به ابعاد جنگ فرهنگی و اقتصادی دشمن علیه نظام جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم.